تازه‌های اقتصاد
دوشنبه ۱ تیر ۱۴۰۵ شماره ۶۲

بودجه ۱۴۰۵ باید با شرایط جدید تطبیق پیدا کند



(صفحه ۲)

رازموفقیت صندوق‌های ارزی چیست؟



(صفحه ۳)

پایان ماراتن سوئیس

اقتصاد ایران در مسیر توافق

مذاکرات فشرده ایران و آمریکا در سوئیس پس از حدود ۱۸ ساعت رایزنی و گفت‌وگو در حالی به پایان رسید که در میانه مسیر با تنش‌های سیاسی، وقفه در نشست چهارجانبه و اختلاف نظرهای آشکار میان طرفین همراه بود. با این حال، خروجی مذاکرات و مجموعه اظهارات مقام‌های سیاسی و اقتصادی نشان می‌دهد گفت‌وگوها نه تنها متوقف نشده، بلکه وارد مرحله‌ای شده است که آثار اقتصادی آن بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است.

موضوعاتی همچون آزادسازی منابع ارزی مسدود شده، تسهیل صادرات نفت و پتروشیمی، افزایش درآمدهای ارزی دولت، تقویت توان مداخله بانک مرکزی در بازار ارز و کاهش فشارهای تورمی، مهم‌ترین محورهای اقتصادی مطرح شده پس از مذاکرات سوئیس بوده‌اند؛ مسائلی که باعث شده بازارها و فعالان اقتصادی با دقت بیشتری تحولات دیپلماتیک روزهای اخیر را دنبال کنند.

هیأت جمهوری اسلامی ایران به ریاست محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، و با حضور سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه، عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی، علی باقری کنی و سایر اعضای هیأت ایرانی در این مذاکرات شرکت کرد.

اگرچه روند مذاکرات در مقاطعی با تنش همراه شد، اما مسیر گفت‌وگوها متوقف نشد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، اعلام کرد که انتشار اظهارات تهدیدآمیز رئیس‌جمهور آمریکا در میانه نشست موجب شد هیأت ایرانی از ادامه حضور در نشست چهارجانبه خودداری کند. با این حال، تبادل پیام‌ها از طریق میانجی‌ها ادامه یافت و مذاکرات تا ساعات پایانی شب دنبال شد.

همین موضوع نشان داد که علی‌رغم اختلافات جدی و بی‌اعتمادی‌های موجود، طرفین همچنان حفظ مسیر دیپلماسی را بر تشدید تنش‌ها ترجیح می‌دهند.



یادداشت روز

حال و هوای صنعت غذا و دارو پس از حذف ارز ترجیحی



نیما جوادیان
کارشناس بازار سرمایه

این روزها بازار سرمایه پس از حدود ۶ سال رکود، به واسطه جا ماندگی از تورم و کاهش تنش سیاسی، رونق گرفته و شاخص کل بورس قله‌های جدیدی را فتح کرده‌است که این امر نه تنها دور از انتظار نبود بلکه پیش‌بینی می‌شود در صورت عدم تحمیل تنش نظامی جدید به کشور، این رشد ولو با شیب ملایم‌تر ادامه یابد.

اما در این بین سهام چند دسته از صنایع بازار سرمایه مانند صنعت غذا، دارو و زراعت به واسطه حذف ارز دولتی و آزاد سازی نرخ فروش محصولاتشان مورد توجه بیشتر قرار گرفته‌اند و داده‌های تحلیلی نشان می‌دهد پس از رشد ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی که از زمان بازگشایی بازار سهام پس از جنگ داشته‌اند، همچنان پتانسیل رشد قیمت بالاتر از سایر سهام موجود در بازار را دارند.

بدیهی است، سال‌ها نرخ گذاری محصولات این گروه از صنایع با ارز دولتی که آخرین نرخ آن ۲۸۵۰۰ تومان بود انجام شده و به تبع آن مبالغ فروش و سود این شرکت‌ها بر اساس نرخ ارز دولتی محاسبه شده است، اما اکنون نرخ گذاری محصولات این شرکت‌ها آزاد و خرید مواد اولیه شان با دلار مبادله‌ای (حدود ۱۴۸۰۰۰ تومان) می‌باشد. بدیهی است با افزایش حدود پنج برابری نرخ ارز مبنای فروش محصولات و ارزش گذاری سهام این شرکت‌ها، شاهد افزایش چهار تا ۵ پنج برابری مبالغ فروش و با حفظ حاشیه سود سال‌های گذشته شاهد افزایش چهار تا پنج برابری سود خالص این شرکت‌ها باشیم.

ادامه مطلب را در لینک بخوانید

۱۰۷۶ همت وام به تولیدکنندگان طی ۴ ماه پرداخت شد

بزرگ‌ترین سکوی نفتی خلیج فارس نصب شد

مرکز آمار رشد اقتصادی سال ۱۴۰۴ را ۰.۲ درصد اعلام کرد

مسعود پزشکیان فردا به اسلام‌آباد سفر می‌کند

روایت یک جراحی ناتمام

چگونه بازگشت ارزترجیحی اقتصاد ایران را دوباره در معرض شوک تورمی قرارداد؟

اقتصاد ایران در سال‌های اخیر دو شوک بزرگ ارزی را تجربه کرده است؛ نخست حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در دولت سیزدهم و سپس آغاز روند حذف یا کاهش نقش ارز ۲۸۵۰۰ تومانی در دولت چهاردهم. هر دو سیاست با هدف کاهش رانت، اصلاح ساختار ارزی و حرکت به سمت واقعی‌سازی قیمت‌ها اجرا شدند، اما آنچه امروز این دو تجربه را به موضوعی مهم برای تحلیل تبدیل می‌کند، صرفاً آثار اقتصادی آنها نیست؛ بلکه تفاوت شرایطی است که هر یک در آن رخ داده‌اند. بررسی داده‌های قیمت کالاهای اساسی نشان می‌دهد هر دو دوره با فشار محسوس بر معیشت خانوارها همراه بوده‌اند. با این حال، برای قضاوت منصفانه درباره نتایج این سیاست‌ها، نمی‌توان متغیرهای سیاسی، امنیتی و بین‌المللی را نادیده گرفت.



دولت سیزدهم حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی را در سال ۱۴۰۱ اجرا کرد؛ زمانی که اقتصاد جهانی تحت تأثیر جنگ روسیه و اوکراین با افزایش کم‌سابقه قیمت غلات، روغن‌های خوراکی و نهاده‌های دامی مواجه شده بود. تورم جهانی غذا به یکی از دغدغه‌های اصلی بسیاری از کشورها تبدیل شده بود و بازارهای کالایی جهان روزهای پرالتهابی را سپری می‌کردند. در مقابل، فاصله اسفند ۱۴۰۳ تا اسفند ۱۴۰۴ را می‌توان پرتنش‌ترین دوره امنیتی و نظامی در سال‌های پس از جنگ تحمیلی با عراق دانست. اقتصاد ایران در این بازه زمانی علاوه بر تحریم‌ها و محدودیت‌های ساختاری، با دو بحران تجاوز نظامی آشکار مواجه شد؛ جنگ ۱۲ روزه و حملات رژیم صهیونیستی در خرداد ۱۴۰۴ و در فاصله‌ای کمتر از ۹ ماه، جنگ رمضان و شرایط نه جنگ نه صلح بعد از آن که حدود ۱۰۰ روز به طول انجامید.

این تحولات تنها رخدادهایی سیاسی یا امنیتی نبودند. هر دو بحران مستقیماً بر انتظارات تورمی، بازار ارز، هزینه تجارت خارجی و فضای کسب‌وکار اثر گذاشتند و سطح نااطمینانی در اقتصاد را افزایش دادند.

نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس:

سیاست ارزترجیحی انگیزه تولید را از بین برده بود

با پایان درگیری نظامی میان ایران و آمریکا موضوع بازسازی بخش‌های آسیب‌دیده و تأمین منابع مالی مورد نیاز آن به یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل شده است. از آنجا که بودجه سال ۱۴۰۵ در شرایط عادی و بدون پیش‌بینی هزینه‌های ناشی از جنگ تدوین شده، بسیاری از کارشناسان بر ضرورت بازنگری در آن تأکید دارند تا از تشدید کسری بودجه و پیامدهای اقتصادی آن جلوگیری شود.



در همین زمینه، **جعفر قادری**، نایب‌رئیس دوم کمیسیون اقتصادی مجلس، از ضرورت اصلاح بودجه، شیوه‌های جبران خسارت‌های جنگ، نقش نهادهای عمومی غیردولتی در بازسازی و همچنین الزامات اصلاح سیاست‌های ارزی سخن گفت.

قادری با اشاره به اینکه بودجه سال ۱۴۰۵ برای شرایط غیرجنگی تدوین شده است، گفت: طبیعی است که وقوع جنگ هزینه‌های جدیدی را به کشور تحمیل کند؛ هزینه‌هایی که در زمان تدوین بودجه پیش‌بینی نشده بود. از این رو، بخشی از منابع باید مجدداً تخصیص یابد و اولویت‌های هزینه‌ای دولت مورد بازنگری قرار گیرد.

به گفته وی، در شرایط فعلی اولویت نخست، بازسازی بخش‌های آسیب‌دیده است، اما در کنار آن باید از بخش‌های پیشران اقتصاد که می‌توانند در کاهش مشکلات و تسریع روند بازسازی نقش‌آفرین باشند نیز حمایت شود.

نایب‌رئیس دوم کمیسیون اقتصادی مجلس با اشاره به تجربه سال‌های گذشته در مدیریت کسری بودجه اظهار کرد: معمولاً بخشی از کسری بودجه از طریق کاهش هزینه‌های عمرانی یا جابه‌جایی اعتبارات جبران می‌شد، اما خسارت‌های ناشی از جنگ شرایط متفاوتی را ایجاد کرده و نیازمند منابع جدید است.

وی تأکید کرد: دولت باید برای جبران خسارت واحدهای مسکونی، خودروها و همچنین واحدهای صنعتی آسیب‌دیده برنامه‌ریزی کند. این حمایت‌ها می‌تواند از طریق پرداخت تسهیلات ارزی و ریالی یا کاهش هزینه‌های تولید صورت گیرد.

قادری با بیان اینکه احتمال ارائه اصلاحیه بودجه وجود دارد، افزود: هرگونه بازنگری در قانون بودجه باید در قالب لایحه از سوی دولت به مجلس ارائه شود، زیرا مجلس به تنهایی امکان ورود به جزئیات اجرایی را ندارد.

وی یکی از محورهای مهم اصلاحیه بودجه را جبران خسارت‌های واردشده به خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی دانست و گفت: بخشی از این هزینه‌ها می‌تواند از محل اعتبارات دولتی تأمین شود، اما استفاده از خطوط اعتباری بانکی، منابع صندوق توسعه ملی و حتی منابع ارزی خارجی در قالب تسهیلات نیز از جمله گزینه‌های قابل بررسی است.

> **در کوتاه‌مدت می‌توان از ابزارهایی مانند کالابرگ الکترونیک برای حمایت از مصرف‌کنندگان استفاده کرد، اما تداوم سیاست ارز ترجیحی در بلندمدت نه‌تنها به ایجاد رانت منجر می‌شود، بلکه انگیزه تولید داخلی را نیز کاهش می دهد**

چالش هزینه‌های پنهان در بازار اعتبار دیجیتال

مدل‌های درآمدی لندتک‌ها نیازمند شفافیت است



علی میری، کارشناس فناوری‌های مالی و بانکی با تشریح روند شکل‌گیری صنعت لندتک در ایران اظهار کرد: خدمات فناوری‌های اعتباری یا لندتک از اواخر دهه ۹۰ و همزمان با افزایش نیاز مردم به خدمات مالی شکل گرفت. در آن مقطع، فرآیندهای سنتی دریافت تسهیلات بانکی شامل مراجعه حضوری، ارائه مدارک متعدد، معرفی ضامن و طی کردن مراحل زمان‌بر، دسترسی بسیاری از متقاضیان به اعتبار را دشوار کرده بود.

وی افزود: در پاسخ به این نیاز، برخی بانک‌ها با همکاری شرکت‌های فناور و پلتفرم‌های لندتکی، فرآیند دریافت اعتبار را ساده‌تر و غیرحضوری کردند. با توسعه خدمات غیرحضوری بانک‌ها، این پلتفرم‌ها نیز توانستند با بهره‌گیری از سرویس‌های بانکی، خدمات اعتباری آنلاین را گسترش دهند.

میری یکی از عوامل رشد لندتک‌ها را شرایط تورمی اقتصاد دانست و گفت: افزایش مداوم قیمت‌ها باعث شده بسیاری از مردم ترجیح دهند نیازهای خود را به جای آینده، در زمان حال تأمین کنند؛ موضوعی که تقاضا برای اعتبار خرد را افزایش داده است. لندتک‌ها نیز با ساده‌سازی فرآیندها، اعتبارسنجی و کاهش وابستگی به روش‌های سنتی، بخشی از این نیاز را پاسخ داده‌اند.

وی با اشاره به چالش‌های این صنعت اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین مسائل، فاصله میان نرخ رسمی تسهیلات بانکی و هزینه واقعی تأمین منابع است. بانک‌ها با محدودیت‌هایی در نرخ‌گذاری مواجه‌اند و همین موضوع باعث شده مدل همکاری میان بانک‌ها و لندتک‌ها شکل بگیرد. در این میان، پلتفرم‌ها علاوه بر تسهیل دسترسی به اعتبار، خدماتی مانند اعتبارسنجی، مدیریت ریسک، ارتباط با پذیرندگان و مدیریت فرآیند اعطای تسهیلات را نیز ارائه می‌کنند.

راز موفقیت صندوق‌های ارزی چیست؟

حجت‌اله فرزانی؛ کارشناس پولی و بانکی، در باره مجوز بانک مرکزی برای تاسیس صندوق‌های سرمایه‌گذاری ارزی و آثار آن بر اقتصاد اظهار کرد: صندوق‌های سرمایه‌گذاری ارزی می‌توانند به عنوان ابزاری برای حفظ ارزش دارایی‌های مردم و تعمیق بازار سرمایه‌گذاری عمل کنند، اما موفقیت آنها وابسته به نحوه مدیریت، سازوکار تخصیص منابع و میزان اعتماد عمومی به این ابزارها خواهد بود.

وی ادامه داد: ایجاد سازکار و ابزارهای جدید برای سرمایه‌گذاری مردم در صندوق‌های ارزی می‌تواند به تعمیق بازار سرمایه‌گذاری کمک کند و زمینه‌ای را فراهم آورد تا افراد برای حفظ ارزش دارایی‌های خود از این ابزارها استفاده کنند.

فرزانی گفت: این صندوق‌ها از جنبه سرمایه‌گذاری می‌توانند بخشی از نگرانی مردم درباره حفظ ارزش دارایی‌هایشان را کاهش دهند و گزینه‌ای جدید را در کنار سایر بازارهای مالی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهند.

این کارشناس پولی بانکی با اشاره به الزامات موفقیت چنین صندوق‌هایی افزود: البته صرف ایجاد صندوق ارزی به معنای موفقیت آن نیست و باید سازکار پوشش ریسک ارزی، نحوه مدیریت حرفه‌ای صندوق و همچنین منابع درآمدی ارزی آن به طور دقیق مشخص شود.

وی ادامه داد: یکی از موضوعات مهم، تعیین درآمد ارزی ثابتی است که قرار است به صندوق تعلق گیرد. همچنین باید بررسی شود نرخ بازدهی این صندوق‌ها در مقایسه با سایر بازارهای سرمایه‌گذاری و بازارهای موازی از جمله سایر صندوق‌های سرمایه‌گذاری، بازار سرمایه، طلا، نقره، ملک و حتی املاک تا چه اندازه جذابیت اقتصادی دارد و آیا می‌تواند سرمایه‌گذاران را به سمت خود جذب کند یا خیر.

فرزانی با اشاره به نقش منابع جمع‌آوری‌شده در اقتصاد اظهار کرد: به طور طبیعی زمانی که ارز از مردم جمع‌آوری می‌شود و سود مشخصی به آن نیز تعلق گیرد، باید این منابع در فعالیت‌هایی به کار گرفته شوند که توان ایجاد بازدهی و عایدی اقتصادی داشته باشد.

وی افزود: اگر منابع جمع‌آوری‌شده نتوانند بازدهی لازم را ایجاد کنند، پرداخت سود وعده داده‌شده با چالش مواجه خواهد شد و این موضوع می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را تحت تاثیر قرار دهد؛ بنابراین در صندوق‌های درآمد ثابت ارزی، مدیریت حرفه‌ای منابع و نحوه تخصیص ارزهای جذب‌شده از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

این کارشناس پولی بانکی تصریح کرد: در فرآیند صدور مجوز برای چنین صندوق‌هایی باید به دقت بررسی شود که متقاضی تاسیس صندوق چه برنامه‌ای برای استفاده از منابع جمع‌آوری‌شده دارد و آیا امکان ایجاد بازدهی پایدار برای سرمایه‌گذاران وجود دارد یا خیر.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا این صندوق‌ها می‌توانند بر حفظ ارزش پول ملی اثرگذار باشند، گفت: تاثیر این ابزارها بر ارزش پول ملی را نمی‌توان به صورت مستقیم و معنادار ارزیابی کرد؛ زیرا ارزش پول ملی بیش از هر چیز تحت تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله رشد نقدینگی، نرخ تورم و وضعیت بخش واقعی اقتصاد و تولید ناخالص داخلی قرار دارد.



فرزانی افزود: در شرایطی که اقتصاد کشور با چالش‌هایی مانند تحریم‌ها و برخی محدودیت‌های بیرونی نیز مواجه است، نمی‌توان انتظار داشت صرف راه‌اندازی یک صندوق سرمایه‌گذاری ارزی تاثیر محسوسی بر ارزش پول ملی داشته باشد. این صندوق‌ها در درجه نخست ابزاری برای سرمایه‌گذاری و مدیریت دارایی محسوب می‌شوند.

۱۰ سال پس از برگزیت

اقتصاد بریتانیا ضعیف‌تر و کسری تجاری عمیق‌تر شد



ده سال پس از همه‌پرسی ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ که در نهایت به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در ژانویه ۲۰۲۰ منجر شد، وضعیت این کشور از نظر اقتصاد، تجارت و مهاجرت ــ سه محور اصلی کارزار برگزیت ــ همچنان موضوع بحث و ارزیابی است.

حامیان برگزیت معتقد بودند خروج از اتحادیه اروپا تأثیر منفی بر اقتصاد بریتانیا نخواهد داشت، در حالی که مخالفان هشدار می‌دادند خروج از بازار مشترک اروپا به بحران اقتصادی منجر خواهد شد.

آمارهای تولید ناخالص داخلی منتشرشده از سوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) نشان می‌دهد اقتصاد بریتانیا در سال‌های نخست پس از همه‌پرسی، تا حد زیادی همگام با سایر اقتصادهای پیشرفته حرکت کرد، اما از سال ۲۰۲۰ به بعد به تدریج نسبت به آمریکا و کانادا عقب افتاد.

آیا جنگ ایران، واردات نفت چین را برای همیشه کند کرد؟

تحلیل‌های تازه از بازار انرژی نشان می‌دهد جنگ ایران می‌تواند فقط یک شوک مقطعی برای بازار نفت نبوده باشد؛ بلکه شاید نقطه‌ای باشد که روندی ساختاری را در چین شتاب داده است: کاهش وابستگی به بنزین و گازوئیل و حرکت سریع‌تر به سمت خودروهای برقی. در چنین چارچوبی، واردات نفت خام چین ممکن است حتی پس از فروکش‌کردن تنش‌ها نیز به سطح پیشین بازنگردد.

برخی تحلیلگران معتقدند جنگ، گذار چین از سوخت‌های مایع سنتی را تسریع کرده است. این جمع‌بندی با داده‌های بازار خودروهای برقی هم‌خوانی دارد. در داده‌های منتشرشده توسط صنعت خودرو چین و بازتاب‌یافته در گزارش‌های خبری، سهم خودروهای برقی از ثبت‌نام خودروهای جدید در آوریل ۲۰۲۶ به سطوح بالایی رسیده است؛ در همین زمینه، رویترز از سهم ۶۱ درصدی خودروهای انرژی نو در بازار آوریل سخن گفته است: در عین حال، یک گزارش تحلیلی از Cleantechnica نیز از سهم ۴۲ درصدی خودروهای تمام‌برقی در چین در آوریل ۲۰۲۶ خبر داده است؛ هرچند این منبع نسبت به رویترز ماهیت تحلیلی‌تری دارد و باید با احتیاط خوانده شود.

موتور بعدی رشد بورس چیست؟

چرخش در وال‌استریت

بازار سهام آمریکا در دو سال اخیر تا حد زیادی تحت تأثیر تب هوش مصنوعی و رشد خیره‌کننده شرکت‌های بزرگ فناوری قرار داشته است. اما نشانه‌های تازه در وال‌استریت حاکی از تغییر مسیر این روند است.

تحلیلگران می‌گویند ترکیبی از رشد اقتصادی نسبتاً پایدار، تورم قابل‌کنترل و سیاست پولی قابل پیش‌بینی فدرال رزرو می‌تواند زمینه را برای مرحله تازه‌ای از رشد بازار فراهم کند؛ مرحله‌ای که لزوماً به جهش‌های فناوری یا عرضه‌های اولیه بزرگ متکی نیست.

«آلفونسو پچاتیلو» تحلیلگر کلان در مؤسسه «ماکرو کمپاس» معتقد است شرایط کنونی بازار به چیزی شبیه سناریوی موسوم به «گلدیلاکس» نزدیک شده است؛ وضعیتی که در آن اقتصاد نه بیش از حد داغ است و نه بیش از حد ضعیف.

در این چارچوب سه عامل کلیدی دیده می‌شود:

رشد اقتصادی واقعی که پس از کسر تورم همچنان مثبت و نسبتاً قوی باقی می‌ماند تورم هسته‌ای که تحت کنترل قرار دارد سیاست پولی فدرال رزرو که قابل پیش‌بینی است و افزایش نرخ بهره در آن محدود یا متوقف شده.

ویدیو



